

دکتر الین فیلیپس، ادبیات عهد عتیق، درس ۱۴، قربانی‌ها، سبت‌ها و اعیاد

الین فیلیپس و تد هیلدبرانت ۲۰۰۴ ©

برای امروز کافی است، اینطور نیست؟ بیایید با هم دعا کنیم

ای خدای پدر آسمانی ما، ما از روز دیگری که به ما عطا کرده‌ای سپاسگزاریم. ما از زیبایی‌های بیرون سپاسگزاریم.

ما از یادآوری‌های واضح پاکی با دیدن برف تازه‌ی باریده سپاسگزاریم. و پروردگارا، همانطور که به آن فکر می‌کنیم، با این مزمور ارتباط برقرار می‌کنیم و از تو می‌خواهیم که واقعاً قلب‌های پاک را در ما بیافرینی. پروردگارا، بیایید حقیقت این مزمور را در اعماق قلب‌ها و ذهن‌هایمان بکاریم.

و ما از تو التماس می‌کنیم که با روحت به ما شادی، شادی نجات خود را عطا کنی، تا بتوانیم واقعاً چراغ‌های نوری برای جهانی باشیم که تاریک و در درد و رنج است. پس ما را آماده کن تا به تو و هم‌نوعانمان خدمت کنیم. ما برای کسانی که حالشان خوب نیست دعا می‌کنیم.

ما دعا می‌کنیم که سلامتی آنها را به آنها بازگردانی. برای کسانی که اینجا نیستند دعا می‌کنیم. به هر دلیلی، شما واقعاً آنها را به اینجا می‌آورید، به ما کمک می‌کنید تا با هم به روش‌هایی که هم برای شما خوشایند است و هم در زندگی ما تأثیر می‌گذارد، یاد بگیریم.

دعا می‌کنم که امروز به من کمک کنی تا با وضوح بیشتری تدریس کنم و به ما کمک کنی تا با هم یاد بگیریم. و باشد که ما به تو افتخار و جلال بدهیم. به نام عیسی دعا می‌کنیم. آمین.

بسیار خب، بیایید بخشی از این را به نوعی تمام کنیم. خب، قرار است کمی از مطالبی را که در پایان جلسه قبل رها کردیم، ادامه دهیم.

بنابراین، اگرچه قرار است از نظر فنی در مورد سخنرانی دوم در مورد تورات آیینی صحبت کنیم، فکر می‌کنم باشد، درست است؟ خب، با توجه به اعیاد و نذورات سبت، فقط کمی وقت داریم تا در مورد قربانی‌های ۱۴ دفعه قبل صحبت کنیم. بنابراین، بدون مقدمه بیشتر، اجازه دهید ترکیبی از آنچه در یانگ‌بلاد در مورد قربانی‌ها خوانده‌اید را مرور کنم و دوباره آن را مرور کنم زیرا واقعاً چیزهای مهمی هستند و سپس برخی از موارد اضافی را که می‌خواهم به آن اضافه کنم. بنابراین، برخی از درس‌هایی که از کل این روش قربانی کردن می‌آموزیم.

این واقعیت را از نظر دور نکنید که اگرچه ما دیگر قربانی‌های خونی تقدیم نمی‌کنیم، اما از خداوند به خاطر کاری که عیسی از طرف ما انجام داده است، تشکر کنید. هنوز درس‌های عمیقی از این موضوع می‌توان، آموخت. بنابراین، اولین کاری که هر کسی که قربانی می‌آورد، انجام می‌داد، این بود که واقعاً آن را بیاورد. حال به شما می‌گویم که بیشتر قربانی‌ها در واقع قربانی‌های خون حیوانات بودند، اما برخی هم بودند که اینطور نبودند.

مشارکت و هدایای غله، ببخشید، نه مشارکت، هدایای غله مسلماً هدایای غله بودند، اما روی هم رفته، ما در مورد حیوانات قربانی صحبت می‌کنیم، و البته، قرار بود یک حیوان خاص باشد. قرار بود برای این شخص هزینه‌ای داشته باشد، و بنابراین، می‌دانید، در بقیه کتاب مقدس به آن اشاره شده است، و ما آن را به ویژه در

مورد داوود می‌بینیم، زمانی که او در پایان کتاب اول سموئیل قربانی می‌کند، و وقتی در مورد داوود صحبت می‌کنیم، به آن خواهیم رسید. او می‌گوید من هزینه این را پرداخت خواهم کرد.

این باید برای من هزینه داشته باشد. آیا قرار است چیزی را به خداوند بدهم که برایم هزینه‌ای نداشته باشد؟ و بنابراین، کل ایده قربانی دادن به این معنی بود که این کار، فقط از نظر هزینه‌ای که دارد، یک فداکاری محسوب می‌شود. اوه، بیایید این کار را یکی یکی انجام دهیم.

وقتی که، آره، متاسفم سوزانا. من دقیقاً داشتم در مورد همین موضوع فکر می‌کردم. داشتم به جورابی کنجکاو می‌شدم چون، مثلاً، با خوردن همه قوانین پزشکی کوچیک و همه چیز، این حس بهم دست می‌ده که این فقط کشتن حیوانات از چپ و راسته، فقط به این خاطر که، مثل همه، مثل همه گناه می‌کنه، مثل هر روز، و مثل همه شروط کوچیک.

داشتم فکر می‌کردم، آنها از پس چه چیزهایی برمی‌آیند؟ مثلاً، فکر نمی‌کنم او گفته باشد که باید چیزی باشد، که برایشان هزینه داشته باشد، بنابراین. خوب، قانون خواندن، سوال خیلی خوبی است. به عبارت دیگر وقتی همه این قوانین و انواع گناهی را که مرتکب شده‌اید، قربانی‌های گناه، قربانی‌های گناه، قربانی‌های سوختنی، می‌خوانید، آیا این فقط مقدار زیادی قربانی مداوم و بسیار گران نبوده است؟ یکی از چیزهایی که می‌بینیم این است که حق با شماست، اما ما همچنین تدارکات خدا را برای کسانی که در فقر هستند می‌بینیم. آنها چه می‌توانستند بیاورند؟ پرندگان.

بسیار خوب، پس شما همیشه در طول این سلسله وقایع، بره یا بز را به عنوان حیوان قربانی نداشتید، و برای افرادی که مجبور بودند قربانی گناه بیاورند و تقریباً فقیر بودند، می‌توانستند کبوتر بیاورند. و جالب اینجاست که این یک مسئله عهد جدید است، اما به هر حال به شما می‌گویم. در قرن اول، شواهدی وجود دارد، هم از اشیاء باستان‌شناسی که پیدا کردند، هم از کت‌های کبوتر، جایی که کبوترها را برای قربانی پرورش می‌دادند.

ما همچنین شواهد ادبی از مطالب خاخام‌ها داریم. بنابراین، می‌دانیم که آنها در این منطقه در تپه‌های یهودا به معنای واقعی کلمه هزاران کبوتر پرورش می‌دادند. بنابراین، اگر بخواهید، این همیشه راه فرار بود، بنابراین خیلی پرهزینه نبود.

به خاطر داشته باشید که ما در مورد جمعیتی صحبت می‌کنیم که چوپان هستند و بنابراین، آنها همیشه گله‌های زیادی را پرورش می‌دهند. کیلین، یک نفر در سال چند قربانی می‌کند؟ صادقانه بگویم، من هیچ ایده‌ای در مورد آن ندارم، اما اگر به این نگاه کنید، اول از همه، و ما قرار است در مورد این موضوع کمی بعد صحبت کنیم، جشنواره‌هایی وجود داشت، و برای جشنواره‌ها، آنها به وضوح باید حیوان قربانی خود را برای سه جشنواره زیارتی می‌آوردند، و ما قرار است حدود 20 دقیقه دیگر در مورد آن صحبت کنیم. در مورد اینکه چند وقت یکبار قربانی گناه و این نوع فرآیندها را ارائه می‌دهند، قربانی گناه اگر کاری انجام داده باشند که یکی از این مسائل مربوط به تقدس و قداست را زیر پا گذاشته باشد، نمی‌دانم.

نمی‌دانم. بعضی از ما ممکن است خیلی بیشتر از بقیه کار کنیم. ترور؟ من هم تقریباً همین سوال را می‌پرسم، اما فکر می‌کنی احتمال دارد که آنها مجبور باشند هر روز، مثلاً بخش بزرگی از وقت خود را برای انجام قربانی گناه یا قربانی گناه اختصاص دهند؟ آیا منطقی است که فکر کنیم آنها هر روز قربانی گناه یا قربانی گناه می‌کنند؟ پرسیدن این سوال سخت است.

یکی از چیزهایی که می‌دانیم این است که قرار بود آن را به پناهگاه بیاورند، و بدیهی است که وقتی به آن سرزمین برسند، و پناهگاه یک مکان واحد باشد، و آنها در سراسر سرزمین پخش شوند، بدیهی است که در آن

صورت این اتفاق نخواهد افتاد، بنابراین اوضاع در آن زمینه نیز کمی تغییر خواهد کرد. در این مورد ناشناخته‌های زیادی وجود دارد، و من می‌گویم، نمی‌دانم چون نمی‌دانم. بله، جینجر

نه، جینجر نه، مک‌کنا. از چه سنی شروع می‌کنند؟ احتمالاً وقتی که بالغ محسوب شوند، و این موضوع جالبی را مطرح می‌کند که دقیقاً چه زمانی این اتفاق می‌افتد، آیا معادل چیزی است که ما به عنوان بار میتروا (جشن تکلیف (می‌شناسیم، زمانی که آنها در حال بالغ شدن هستند، یا اینکه وقتی شروع به سرشماری می‌کنند، که من معتقدم ۲۰ سالگی است، اگرچه در مورد آن کاملاً مطمئن نیستم. تد، درست می‌گویم؟ فکر می‌کنم ۲۰ سالگی باشد.

آره. باشه. سوالات بیشتر؟ سوالات خوبی بود.

به آوردن آنها ادامه دهید. مرحله دوم در کل این فرآیند از نظر نمادگرایی بسیار قابل توجه بود و آن این است که وقتی پرستنده‌ای که قربانی را آورده است، آن را به آنجا می‌آورد، دستان پرستنده روی سر حیوان قربانی قرار می‌گرفت و باز هم، من نمادگرایی را اینجا برای شما ذکر کردم. نه تنها این، بلکه فکر می‌کنم این مسئله یانگ‌بلاد است: آیا این انتقال نمادین گناه در حال وقوع است؟

به عبارت دیگر، گناهان من بر سر آن حیوان گذاشته می‌شود، اما همچنین، این یک نوع هویت‌یابی با حیوان است، و این از نظر این واقعیت که دفعه قبل گفتیم ریختن خون به معنای گرفتن خون به جای زندگی من است، که در واقع به معنای از دست دادن خون آن حیوان است، بسیار مهم خواهد بود. بنابراین، هر دوی این موارد بخشی از آن هستند. نکته سوم که مردم اغلب فراموش می‌کنند این است که فکر می‌کنند کاهنان کسانی هستند که همه این کارهای خونین را انجام می‌دهند، اما کسی که قربانی را می‌آورد در واقع کسی بود که حیوان را کشت، و دوباره، همانطور که دفعه قبل سعی کردم بگویم، این به ما نوعی یادآوری از وحشت گناه و آشفتگی‌ای که گناه ایجاد کرده و آشفتگی‌ای که گناه من ایجاد کرده است، می‌دهد، اکنون من در واقع به نوعی آن را به این روش نمادین ریختن خون این حیوان نیز بازسازی می‌کنم.

بنابراین، وقتی به کل این فرآیند فکر می‌کنیم، چیزهای جالب، نمادهای باورنکردنی و درس‌هایی واقعاً به ذهنمان خطور می‌کند. سپس، به یاد داشته باشید که کاهن واسطه است، و بنابراین وقتی خون ریخته شد، این کاهن است که آن خون را می‌گیرد و می‌پاشد. بسیار خوب، خدا شما را حفظ کند.

او کسی است که قرار است آن را روی محراب بپاشد، بنابراین به وضوح نمایانگر این واقعیت است که بین من و تقدس خدا در محراب او، شخصی وجود دارد که به صورت انفرادی در حال مراقبه است، و باز هم، این تصویری از نقشی است که عیسی ایفا می‌کند. قربانی‌هایی که به طور کامل یا جزئی سوزانده می‌شوند، به نوع قربانی بستگی دارند، و لیست کاملی از آن قربانی‌ها وجود دارد. من قصد دارم خیلی سریع در عرض یک دقیقه، آنها را مرور کنم، اما باز هم، سوزاندن صرفاً برای نشان دادن کل فرآیند تقدیس، تسلیم شدن، و سپس، البته می‌دانید که از آتش برای تصفیه استفاده می‌شود، حتی برای تصفیه فلزات گرانبها نیز استفاده می‌شود، و بنابراین آن رویداد نمادین با نیت قبلی نیز در این مورد وجود دارد.

بسته به اینکه این قربانی چه بوده، ممکن است بخشی از آن را بخورید، ممکن است تمام آن را بخورید، شاید در مورد کل قربانی سوختنی، تمام آن بخشیده می‌شود، و آن کل قربانی سوختنی به طور منظم، روزانه، کفاره گناهان بود. در ادامه بیشتر در مورد آن صحبت خواهیم کرد. در مورد این قربانی رفاقت، آن را به عنوان تصویری از آنچه هنگام عشای ربانی انجام می‌دهیم، در ذهن خود نگه دارید، اگر بخواهید آن را اینگونه بیان کنید، همانطور که با هم غذا می‌خوریم، و در رفاقت غذا می‌خوریم، و اکنون که این آشتی بین ما و خدا اتفاق افتاده است، قربانی رفاقت نمادی از این نوع چیز خواهد بود.

خب، اجزای اساسی این فرآیند، حالا بیایید خیلی سریع به خود قربانی‌های اصلی نگاه کنیم، و من این کار را سریع انجام می‌دهم چون می‌دانم که یانگ‌بلاد این کار را انجام می‌دهد؛ می‌توانید برگردید و این مطالب را مرور کنید، و همچنین این در واقع لاویان فصل‌های یک تا هفت است، درست است؟ در کل قربانی سوختنی لاویان فصل یک، آیه چهار، هدف بیان شده است: کفاره دادن برای گناهان به صورت روزانه. قربانی گناه و قربانی گناه را می‌توانیم به نوعی با هم در نظر بگیریم زیرا اغلب با هم تقدیم می‌شوند، و بنابراین وقتی قربانی گناه خود را داریم، برای پوشش دادن زمانی است که کسی گناه کرده است، خب، و ناخواسته گناه کرده است و نمونه‌هایی از الگو وجود دارد که هنگام خواندن لاویان ارائه می‌شوند. قربانی گناه یا جرم جالب است، و در واقع دو هدف وجود دارد که در اینجا، به خصوص در فصل پنجم، بیان شده است. فکر می‌کنم در لاویان است، جایی که می‌گوید کفاره گناهان غیرعمد، نه فقط، می‌دانید، گناهان غیرعمد باغی، بلکه گناهان غیرعمد در رابطه با چیزهای مقدس.

مثلاً فرض کنید یک حیوان قربانی وجود دارد که به خداوند تقدیم شده است، و من به نحوی در مورد آن حیوان کاری انجام می‌دهم که آن را نجس می‌کند یا هر چیز دیگری، می‌دانید، اگر عمداً آن کار را انجام نمی‌دادم گناه غیرعمدی محسوب می‌شد، اما من کاری انجام داده‌ام که بر حیوانی که به بخشی از کل فرآیند قربانی کردن واگذار شده است، تأثیر می‌گذارد. جالب اینجاست که همانطور که شما هم می‌خوانید، و من می‌خواهم نگاهی سریع به این موضوع با شما بیندازم، به فصل پنجم لاویان مراجعه کنید زیرا اغلب گفته می‌شود که هیچ قربانی واقعی برای گناهان عمدی وجود ندارد، اما پایان فصل پنجم لاویان در مورد قربانی گناه صحبت می‌کند. آیه ۱۵، وقتی شخصی مرتکب تخلف می‌شود و ناخواسته در مورد هر یک از مقدسات خداوند گناه می‌کند، ۱۵، درست است؟ حال، در آیه ۱۷، اگر شخصی گناه کند و آنچه را که در هر یک از دستورات خداوند ممنوع است انجام دهد، حتی اگر آن را نداند، به آنچه در ابتدای فصل ششم داریم نگاه کنید.

به همین دلیل است که فکر می‌کنم اینجا حتی گناهان عمدی ما هم تا حدودی قابل پوشش هستند، و از دانستن این موضوع خوشحالم. شما اینطور فکر نمی‌کنید؟ ما همیشه درگیر انجام عمدی کارهایی هستیم که می‌دانیم اشتباه هستند. حداقل من می‌دانم. اگر شما نمی‌دانید، می‌خواهم شما را بشناسم.

دوست دارم از شما یاد بگیرم. باشه، اما بین اینجا چه خبره. ما هنوز داریم در مورد قربانی گناه صحبت می‌کنیم.

آیه دوم، اگر کسی گناه کند، یعنی به خداوند وفادار نباشد، شما برای این آماده هستید، فریب دادن همسایه‌اش، فریب دادن او، که به نظر من تا حدودی عمدی است، پیدا کردن مال گمشده و دروغ گفتن در مورد آن، قسم دروغ خوردن، می‌دانید، همه این کارها باید حلقه‌ای از عمد باشند، و البته وقتی این کار را انجام دادید و وجدانتان شما را محکوم کرد، باید برگردید، و قربانی گناه برای همین است. و بنابراین، خداوند را ستایش کنید، حتی در آن زمینه، گزینه‌هایی برای کفاره نیز وجود دارد. همچنین قربانی غله وجود دارد، و من این موارد آخر را به سرعت انجام خواهم داد.

البته قربانی غله شامل هیچ نوع قربانی خونی نمی‌شود. این قربانی با بسیاری از قربانی‌های دیگر همراه است. و سپس قربانی صلح یا دوستی، و این البته همان قربانی‌ای است که در آن، به نشانه سپاسگزاری کامل از خدا مردم گرد هم می‌آمدند و بخشی از قربانی را به صورت جمعی می‌خوردند و آشتی را در جامعه و همچنین با خدا جشن می‌گرفتند.

سپس هدایای اضافی، هدایای شکرگزاری و موارد مرتبط با نذرها وجود دارد. کمی بعد به نذرهای برمی‌گردیم. من بیشتر نگران این هستم که شما سه مورد اول را می‌دانید.

خب، سه مورد اول احتمالاً مهم‌ترین موارد هستند، چون قرار است نمونه‌هایی از آنها را در ادامه‌ی روایت‌های تاریخی‌مان ببینیم. بنابراین این موضوع مهمی خواهد بود. حالا، تقریباً آماده‌ام که به روز سبت بپردازم.

سوالی در این مورد دارید؟ ترور؟ آیا باید انواع مختلف قربانی‌های مشابه را بدانیم؟ دقیقاً چه چیزهایی؟ به عبارت دیگر، لازم نیست بدانید کدام حیوانات برای چه چیزی هستند و غیره. نگران این موضوع نباشید. من بیشتر نگران این دسته‌های بزرگ و هدف طراحی آنها هستم، زیرا همانطور که گفتم، حتی وقتی به کتاب داوران برسیم، چیزهای جالبی در مورد قربانی‌های گناه و سموئیل نیز خواهیم دید.

باشه، سوال خوبی بود. چیز دیگه‌ای هم هست؟ بله، سارا؟ آره، خب، یادت باشه، کسانی که قربانی می‌کنن بخش کثیف کار رو انجام می‌دن. کاسه‌هایی هست که خون توی اون ریخته می‌شه، باشه؟ و کاهنان هم همینطور، فقط کاهن اعظم نیست که این کارها رو انجام می‌ده.

می‌دانید، شما یک خانواده کامل از هارون دارید که به عنوان کاهن خدمت می‌کنند، و همه آنها ایفود و سینه‌بند و عمامه نمی‌پوشند. آنها چنین لباسی ندارند. کاهنان به سادگی، خب، چیزی ساده‌تر می‌پوشیدند.

خب، این همه چیزهایی نیست که لباس کاهن اعظم را کثیف می‌کند. بله، سوال خوبی است. خب، بیایید به بحث سبت ادامه دهیم.

این یک مسئله‌ی جذاب است، و مسئله‌ای است که خب، برای دانشجویان کالج گوردون هم مهم است، چون حاضرم شرط ببندم که بعد از ظهر یکشنبه معمولاً برای بسیاری از ما در کتابخانه، زمان دلهره‌آوری است چون برای دوشنبه آماده می‌شویم. می‌خواهم شما را تشویق کنم که شاید کمی متفاوت در مورد این موضوع فکر کنید. نمی‌خواهم در این مورد سخت‌گیرانه برخورد کنم، فقط تشویقتان می‌کنم.

به هر حال، از نظر اصل، ایده این است که شما هر هفت دوره استراحت کنید، و البته، شما می‌دانید که ما اعضای هیئت علمی داریم که در حال حاضر در این ترم در مرخصی تحصیلی هستند. این بدان معناست که آنها در حال استراحت هستند. دکتر هیلدبرند این ترم در مرخصی تحصیلی است، بنابراین او آنجا روی صندلی‌اش استراحت می‌کند، درست است؟ بله، بسیار خب.

نه، او فقط دارد شست‌هایش را بازی می‌دهد. در هر صورت، کل اصل همین است. تو استراحت کن.

خب، راستش را بخواهید، گوردون کمی عجیب است چون ما هر پنج سال یکبار تعطیلات خودمان را برگزار می‌کنیم، اما به طور کلی، در صحنه کتاب مقدس، این تعطیلات هر هفت دوره است. همچنین توجه داشته باشید، همانطور که این مطالب را در مورد تعطیلات شنبه می‌خوانید، این تعطیلات نه تنها بر انسان‌ها تأثیر می‌گذارد، تعطیلات شنبه، در روز شنبه، نه تنها بر انسان‌ها تأثیر می‌گذارد، بلکه بر زمین نیز تأثیر می‌گذارد، و من در مورد آن بعداً بیشتر خواهم گفت. این واقعاً، واقعاً مهم است.

در نهایت، این قوم خدا را متمایز می‌کند. همانطور که قبلاً گفتم، وقتی در مورد خروج ۱۶ صحبت کردیم پس از اینکه آنها از مصر بیرون آمدند و تجربه من را داشتند، خدا به آنها سبت می‌دهد. این چیزی است که آنها قبلاً هرگز تجربه نکرده بودند، نه در مصر. و بنابراین، این قوم خدا را متمایز می‌کند.

در واقع، در طول تاریخ، یهودیان در فرهنگ عمومی به عنوان کسانی شناخته می‌شدند که یک روز از هفته را کار نمی‌کردند. حال، گاهی اوقات، فرهنگ عمومی از این موضوع سوءاستفاده می‌کند و در واقع در روزی که یهودیان آن را سبت خود می‌دانستند، به آنها حمله می‌کرد. بنابراین، در واقع حکمی وجود داشت که در

صورت لزوم می‌توانستید در روز سبت بجنگید، صرفاً به این دلیل که در مقاطعی خاص، نیات واقعاً بدخواهانه‌ای از سوی دشمنان یهودیان وجود داشت.

در هر صورت، جدا کردن قوم خدا یکی از مسائل بود. ما اینجا کمی وقتمان را صرف این دسته از رعایت سبت خواهیم کرد، و من می‌خواهم بخوانم، به خصوص در مورد هر سال هفتم و جشن یوبیل. ما قبلاً مطالبی را که مربوط به روز هفتم است خوانده‌ایم، زیرا دو نسخه از ده فرمان را خوانده‌ایم، درست است؟ در خروج ۲۰، وقتی می‌گوید سبت را به یاد داشته باشید تا آن را مقدس نگه دارید، قرار است شما و کنیزتان، حیواناتتان، استراحت کنید.

چرا؟ خروج ۲۰ می‌گوید، زیرا در شش روز خدا زمین را آفرید و در روز هفتم استراحت کرد. و بنابراین بر اساس خلقت است. از همان ابتدا، خدا این را در طرح خود برای خلقتش قرار داده است.

او این کار را پس از این اعمال باشکوه خلقت انجام می‌دهد، سپس او با مشیت الهی از ما حمایت می‌کند، و این تفاوتی در کار است. ما حتی نمی‌توانیم آن را درک کنیم، اما متن تلویحاً می‌گوید که این تفاوت وجود دارد. ثانیاً، در تثنیه فصل ۵، قرار است ما روز سبت را رعایت کنیم.

چرا؟ زیرا با بازویی گشوده، خدا شما را از اسارت در مصر بیرون آورد و شما را رهایی بخشید. و بنابراین رعایت سبت در آن زمینه گفته می‌شود زیرا خدا شما را رهایی داده است. بنابراین، هر دو مبتنی بر خلقت و رستگاری هستند که هر دو اصول نسبتاً متعالی هستند و این چیزی است که می‌خواهیم در نظر داشته باشیم.

حالا، جالب اینجاست که اگر به خروج فصل ۳۱ نگاه کنید، از نظر عهد سینا، که الان داریم در موردش صحبت می‌کنیم، می‌گوید، فصل ۳۱، آیه ۱۲، شما باید سبت مرا رعایت کنید. ببخشید، آیه ۱۳، این نشانه‌ای بین من و شما خواهد بود. آیه ۱۴، هر کسی که سبت را بی‌حرمت کند، باید کشته شود.

هر که در آن روز کاری انجام دهد، باید از قوم خود طرد شود. متن در پایان آیه ۱۵ نیز این موضوع را تکرار می‌کند: هر که در روز سبت کاری انجام دهد، باید کشته شود. این یک نشانه است.

این یک عهد پایدار است. پس، این را به ذهنتان بسپارید، چون قرار است کمی بعد در مورد اینکه چرا مردم در زمان عیسی اینقدر نگران نگه داشتن سبت بودند صحبت کنیم. این یکی از دلایل است، زیرا آنها می‌دانستند که طبق تورات، همانطور که در سینا بیان شد، چیزی در مورد نگه داشتن سبت بسیار مهم است.

کمی بعد بیشتر در این مورد صحبت خواهیم کرد. ما باید در مورد رویه‌های سال هفتم نیز بحث کنیم، اما می‌خواهم به خروج ۲۳ بپردازم.

من اینجا سه قسمت از مراحل سال هفتم را می‌خوانم، تا کمی آنها را در ذهنتان جا بیندازم. اول از همه، خروج آیات ۱۰ و ۱۱. به مدت شش سال، شما باید مزارع خود را بکارید و محصولات را برداشت کنید، ۲۳.

در سال هفتم، بگذارید زمین شخم نخورده و بلااستفاده بماند. سپس، فقرای قوم شما می‌توانند از آن غذا تهیه کنند. این مهم است.

ما اینجا نمی‌نشینیم و هر چه می‌توانیم را در آن سال هفتم برداشت نمی‌کنیم، بلکه خود به خود رشد می‌کند و به فقرا اجازه داده می‌شود از آن غذا تهیه کنند. برگردیم به لاویان ۲۵، هفت آیه اول. من از آیه دوم شروع می‌کنم.

وقتی وارد سرزمینی می‌شوید که به شما می‌دهم، خود زمین باید سبت خداوند را رعایت کند. سپس، در مورد کاشت در شش سال صحبت می‌کند. در سال هفتم، زمین باید سبت استراحت داشته باشد.

مزارع خود را نکارید، تاکستان‌های خود را هرس نکنید، محصولات را درو نکنید. زمین برای استراحت است. آیا این برداشت را دارید که خدا نگران زمین است؟ او این را سه بار در آن متن می‌گوید.

زمین باید استراحت کرده باشد. چیزی که احتمالاً می‌توانیم از آن یاد بگیریم. بنابراین، شما نه تنها آن را دارید، بلکه اگر خیلی سریع به آن نگاه کنید، یا حداقل آن را یادداشت کنید و کمی بعد به آن نگاهی بیندازید.

تثنیه ۱۵. دو بخش اولی که بر آنها تأکید کردم، اگر بخواهیم آنها را اینگونه بیان کنیم، مربوط به محیط زیست هستند. با تأکید، زمین قرار است آرامش یابد.

حالا، تثنیه ۱۵. در پایان هر هفت سال، باید بدهی‌ها را ببخشید. و سپس در ادامه می‌گوید که چگونه این کار باید انجام شود.

بخشیدن بدهی‌ها: اگر در میان شما فقیری هست، نسبت به برادر فقیر خود سنگدل و تنگدست نباشید. گشاده دست باشید و هر چه نیاز دارد به او قرض دهید. مراقب باشید که این فکر بد را در سر نپرورانید، نقل قول، سال هفتم، سال بخشیدن بدهی‌ها نزدیک است.

بنابراین، من الان هیچ کاری در این مورد انجام نمی‌دهم. نه، خدا می‌گوید، به خاطر برادرت، آن بدهی‌ها را ببخش - به همین ترتیب، آیه ۱۲.

اگر یک هموطن عبری به شما فروخته شود و شش سال به شما خدمت کند، در سال هفتم باید او را آزاد کنید. خب، مفهوم این حرف چیست؟ فکر می‌کنم قبلاً هم به این موضوع اشاره کرده‌ام. شما یک طبقه اجتماعی دائماً پایین ندارید.

از نظر نحوی خیلی بد بود، اما نکته این است. شما یک طبقه زیردست دائمی ندارید. بنابراین، برخی پیامدهای جامعه‌شناختی در اینجا وجود دارد که واقعاً مهم هستند.

چون شما بدهی‌ها را لغو می‌کنید، آنها برای همیشه و همیشه زیر بار این بدهی نخواهند بود، و شما بردگان را آزاد می‌کنید. و وقتی بردگان را آزاد می‌کنید، قرار است همانطور که رفتند، برایشان آذوقه فراهم کنید تا بتوانند دوباره از نو شروع کنند. بنابراین پیامدهای زیست‌محیطی فوق‌العاده مهمی در تورات اجتماعی در اینجا گنجانده شده است، و همچنین پیامدهای اجتماعی برای ساختار جامعه.

حالا، سوالی که باید پرسید این است که خب، آیا بنی اسرائیل این کار را می‌کنند؟ پاسخ منفی است. ما در واقع این را می‌دانیم، همانطور که دوم تواریخ فصل ۳۶ را می‌خوانیم، که پایان کل این دوره تاریخی است. و مردم پس از قرن‌ها گناه به تبعید فرستاده شده‌اند.

و می‌گوید، و زمین بالاخره آرامش یافت. ضمناً، می‌دانید، حالا آنها آنجا نیستند، و این کار را نمی‌کرده‌اند. حالا زمین قرار است آرامش یابد.

خب، بالاخره، ما یوبیل را هم داریم. این تمام بقیه‌ی فصل ۲۵ لایوان است. من شما را به هفت آیه‌ی اول در مورد روال‌های سال هفتم ارجاع دادم.

در فصل جوبیلی، بقیه فصل را به شرح مواردی اختصاص داده‌ایم که من در اینجا به صورت خلاصه و در قالب نکات کوچک آورده‌ام. برگردیم به اموال خانوادگی. بنابراین، شما انحصارات بزرگی در اموال ندارید.

در عوض، شما به اموال قبیله و خانواده بازگشتید. دوباره برای زمین استراحت کنید و بردگان آزاد شدند. و متن همچنان می‌گوید، به یاد داشته باشید که در مصر در بندگی بودید.

به همین دلیل است که شما باید بردگان را آزاد کنید. همچنین در طول این فصل یک ضریه‌نگ ثابت دیگر نیز وجود دارد. و آن این است که زمین از آن خداست.

زمین متعلق به خداوند است. زمین متعلق به خداوند است. سه بار در این فصل، بر این موضوع تأکید شده است.

و به همین دلیل است که آنها باید اینگونه رفتار کنند. این زمین برای همیشه مال آنها نیست. در عوض، به ساختارهای خانوادگی‌ای برمی‌گردد که خداوند از همان ابتدا، زمانی که آنها وارد زمین می‌شوند، برایشان مقدر کرده است.

خب، جشن آزادی واقعاً مهم است. آن دسته از شما که می‌دانید روی ناقوس آزادی چه نوشته شده، آیا می‌دانید روی ناقوس آزادی چه نوشته شده است؟ آیا کسی این را می‌داند؟ کلاس ششمی‌ها، یاد گرفتند که روی ناقوس آزادی چه چیزی حک شده است؟ این وحشتناک است. این کاملاً وحشتناک است.

آزادی را در سراسر سرزمین اعلام کنید، درست است؟ این چیزی است که در آن آمده است. این دقیقاً از لاویان ۲۵، آیه ۱۰ آمده است. آزادی را در سراسر سرزمین اعلام کنید.

راستی، اسم جوبیلی از کجا آمده؟ تا حالا اینو شنیدین؟ چرا بهش میگیم جوبیلی؟ خب، اگه اهل کارهای درست و حسابی که الان در مورد مسائل عدالت اجتماعی انجام میشه هستین، حتماً زیاد از اصطلاح جوبیلی استفاده می‌کنین. اینو با یه ذره بدبینی گفتم. ببخشید.

زیاد استفاده می‌کنیم، اما تعداد کمی از مردم واقعاً Jubilee به هر حال، ما در برخی محافل از اصطلاح است. و وقتی از آن Yovel می‌دانند که این اصطلاح از کجا آمده است. در واقع، این یک کلمه عبری به نام کمی به جای هم استفاده می‌شوند Y و J، زبان به آلمانی می‌آییم.

و بنابراین، یوول شیپوری بود که هنگام شروع سال یوبیل به صدا در می‌آوردند. اصطلاح یوبیل از همین جا آمده است. و حالا، البته، ما از آن استفاده می‌کنیم بدون اینکه حتی بدانیم منظور از آن چیست.

در هر صورت، نکته را اینجا بگیر. این یادآوری مالکیت خدا بر زمین و الگوی رستگاری از مصر است که در آنجا وجود دارد. بله، بکا.

من اینجا دارم به این جشن نگاه می‌کنم. آیا دقیقاً مثل جشنی است که معراجی‌ها آنها را به اینجا می‌فرستند؟ راستش، این سوال جالبی است. چه تفاوتی بین هر هفت سال وجود دارد، که یعنی بعد از آن به ۴۹ سال می‌رسید و بعد جشن سال بعد از آن خواهد بود؟

البته، همه با این موافق نیستند. بعضی‌ها سعی می‌کنند بگویند که سال یوبیل قرار است به نوعی همپوشانی سال چهل و نهم و سال هفتم باشد. اما اکثر مردم، همانطور که آن را تفسیر می‌کنند، می‌گویند که شما این سری هفت ساله را دارید.

و وقتی به هفت ضریدر هفت می‌رسید، یوبیل هم به آن اضافه می‌شود، که واقعاً یعنی وقتی مکث می‌کنید و در موردش فکر می‌کنید، این افراد باید به طور ضمنی به خدا اعتماد می‌کردند تا در دو سال متوالی که قرار نبود عمداً با محصولات کشاورزی و چیزهای دیگر سر و کار داشته باشند، برایشان روزی فراهم کند. خب، کمی جالب است. بله، کیلین

چطور می‌توانند ملک خود را رها کنند؟ مثلاً اگر ملکی خریده باشند، آیا می‌توانند آن را از شخص حقیقی خود بگیرند؟ خب، سوال این است که بله، با این همه تبادل ملک، این چطور ممکن است؟ بیایید به گذشته برگردیم و به ملکی فکر کنیم که در درجه اول متعلق به خانواده‌ها، طایفه‌ها و قبایل است. و وقتی به زمین برسیم، شاهد تقسیمات قبیله‌ای خواهیم بود، درست است؟ بنابراین، قرار است در چارچوب این ساختار بزرگ ارث خانوادگی باقی بماند. تنها راهی که می‌توانستند ملک خود را بفروشند این بود که بدهکار شوند و مجبور به انجام چنین کاری شوند.

حتی در آن زمان، فرآیندی برای بازخرید آن ملک وجود داشت. بنابراین، اینطور نیست که همه جا را فرا بگیرد. و یک مالک از بین‌النهرین ناگهان زمینی را در اطراف هبرون تصاحب کند. این‌طوری نمی‌شود.

فقط مسئله این است که مطمئن شویم ساختار خانواده همچنان مالکیت خود را حفظ می‌کند. بنابراین، اگر به هر دلیلی در این فاصله، مجبور به ترک مالکیت خود شود، به آنها بازگردانده خواهد شد. آیا افراد درون آن قطعه زمین متعلق به خود را داشتند؟ من کاملاً مطمئن نیستم که این درست بوده باشد.

ما واقعاً نمی‌دانیم، منظورم این است که سوال خیلی خوبی است. ما واقعاً هیچ درکی از اینکه این تکه‌های خانواده چگونه طرح‌ریزی شده‌اند، نداریم. فکر می‌کنم آنها احتمالاً زیر دام بزرگی، که نوعی ساختار قبیله‌ای است، نگه داشته شده‌اند.

حدس من این است. اما این تقریباً مثالی است که می‌توانیم بزنیم و بیشترین کمک را به ما بکند، روت است. وقتی به کتاب روت می‌رسیم، همانطور که می‌دانید، به نظر می‌رسد خانواده‌ی نوعی خانواده‌ی نسبتاً ثروتمندی بوده‌اند، اما او در حالی از موآب برمی‌گردد که فقیر است، چون شوهرش را از دست داده، دو پسرش را از دست داده و روت را با خودش می‌آورد.

در آن برهه از زمان، یکی از اقوام که نامش فاش نشده و بوعز از راه می‌رسند، هر دو مدعی خرید آن قطعه زمین هستند. و اساساً، او توانایی مالی نگه داشتن آن را ندارد، اما هنوز در خانواده است. اعضای خانواده‌ای هستند که می‌توانند آن را خریداری کنند.

بنابراین، این [موضوع] حفظ آن در چارچوب آن ساختار خانوادگی است. اما این بهترین کاری است که می‌توانم در این مورد برای شما انجام دهم. در واقع، اطلاعات زیادی در مورد آن ندارم.

سوالات خوبی بودند. تا اینجا که خوب بودند؟ بسیار خوب، می‌بینید که به اینجا رسیدیم. عیسی در مورد سبت چه گفت؟ در اینجا می‌خواهیم اول از همه، مخالفان او را در نظر داشته باشیم.

و شما الان همه عهد جدید را دارید، بنابراین می‌دانید که عیسی رابطه‌ای مداوم و پر فراز و نشیب با فریسیان بر سر مسئله شکستن سبت داشت. این همان چیزی بود که آنها او را به آن متهم می‌کردند. و من می‌دانم که فریسیان، همانطور که او می‌گوید، ریاکار هستند، و آنها تا حدودی مانند ما و همه آن چیزها هستند.

اما باید در نظر داشته باشیم که چرا آنها اینقدر نگران این موضوع بودند. پس بگذارید بحثمان را ده دقیقه به عقب ببرم. فریسیان، با تمام نقص‌ها و کاستی‌هایشان، افرادی بودند که واقعاً نگران حفظ تورات بودند.

ما باید این را در نظر داشته باشیم. و احتمالاً این را شنیده‌اید که می‌گویند: عیسی اساساً همان اصول اعتقادی را با فریسیان به اشتراک گذاشت، درست است؟ بنابراین، مشکل ریاکاری آنهاست. مشکل، اصول اعتقادی آنها نیست.

در هر صورت، آنها بسیار نگران حفظ تورات هستند. و اگر آنها می‌دانند، و می‌دانند، که اگر سبت را بشکنید، مجازات اعدام در راه است. و با این حال، اگر تورات در مورد آنچه که سبت را می‌شکند خیلی صریح نیست، شما از آن آگاه هستید، درست است؟ واقعاً در مورد اینکه چه چیزی قرار نیست آتش روشن کنند و قرار نیست هیزم جمع کنند، صریح نیست.

ما این را از دو واقعه داریم. اما شکستن روز سبت به چه معناست؟ و البته، چون تعریف نشده است، آنها برای تعریف شکستن روز سبت تلاش زیادی کردند. و در میشنا، میشنا تا سال ۲۲۰ میلادی نوشته نشده است، اما یک سنت شفاهی طولانی را ادامه می‌دهد.

در میشنا، ۳۹ دسته کار فهرست شده است. حالا، گاهی اوقات وقتی می‌بینید، ببخشید، می‌بینید، وقتی در کلیسا موعظه‌هایی می‌شنوید که، اوه، آنها ۳۹ دسته کار داشتند، و مردم به نوعی آن را مسخره می‌کنند، این واقعاً برای افرادی که سخت تلاش می‌کنند تا از ایده حفظ سبت محافظت کنند، منصفانه نیست. حالا درست است که آنها دوباره ریاکار و قانون‌گرا هستند، اما باید بفهمیم چه اتفاقی می‌افتد و چرا وقتی عیسی در سبت شفا می‌دهد، آنها اینقدر عصبانی می‌شوند.

من قصد ندارم متن‌ها را بخوانم، اما بروید و به انتهای مرقس ۲ و ابتدای مرقس ۳ نگاهی بیندازید، جایی که ما این موضوع را بررسی می‌کنیم. اول از همه، شاگردان عیسی در حال جمع‌آوری غلات هستند، آنها را می‌کوبند، انگار که آنها را بین دستانشان می‌مالند، و به این کار خرمن‌کوبی می‌گویند. و بنابراین، فریسیان کمی از این موضوع ناراحت هستند، و عیسی با مثالی از داوود به آنها پاسخ می‌دهد.

خب، حدود یک ماه دیگر به ماجرای داوود خواهیم پرداخت. اما به هر حال، در آن زمینه، آن واقعه را داریم و درست بعد از آن، در ابتدای مرقس ۳، عیسی در روز سبت شفا می‌دهد. و در ارتباط با آن دو واقعه که به این شکل در مرقس خلاصه شده‌اند، آموزه‌های بسیار مهمی از عیسی داریم.

اول از همه، سبت برای ما آفریده شده است. سبت برای بشریت آفریده شده است. ما آفریده نشده‌ایم که برده‌وار به سبت پایبند باشیم. نکته این نیست.

اما سبت هدیه خدا بود. به خروج ۱۶ برگردید. برای افرادی که واقعاً، واقعاً سخت کار می‌کنند، سبت فقط یک شادی است زیرا شما یک روز از آن کار طاقت‌فرسا، آن اضطراب کار، آن اجبار که باید این، این، این و این کار را انجام دهید، یا هر کار دیگری، خب؟ سبت برای دور شدن از آن است.

مهم‌تر از آن، عیسی می‌گوید، پسر انسان مالک روز سبت است. به عبارت دیگر، آن یک روز از هفت روز، هر روزی که آن را در نظر بگیرید، درست است؟ هر روزی که آن را در نظر بگیرید، آن یک روز از هفت روز عیسی به عنوان مالک آن روز شناخته می‌شود. نه من، نه خواسته‌های من، نه فهرست کارهای من، نه برگه امتحانی.

در آن زمان، عیسی خداوندگار روز سبت است. اما البته، نتیجه‌ی مهم این است که عیسی در روز سبت شفا می‌دهد، زیرا شما در روز سبت کار نیک انجام می‌دهید. جالب اینجاست که یک خاخام، خب، یک خاخام به نام شمعون بن مناشه وجود دارد که دقیقاً همان چیزی را می‌گوید که عیسی می‌گوید.

او می‌گوید انجام کارهای نیک در روز سبت جایز است. شفا دادن جایز است. بنابراین، اولویت‌هایی در زمینه حفظ جان انسان و مراقبت از جان انسان و بخشیدن کرامت و احیای زندگی انسان وجود دارد که از مرزهای سبت فراتر می‌رود.

این چیزیه که عیسی باید بگه. خب، آماده‌ایم که ادامه بدیم؟ نظرتون در مورد این یکی چیه؟ ما در یک عهد جدید هستیم. آیا همه این چیزها گذشته؟ آیا ما به جورایی عیسی رو دوباره تفسیر می‌کنیم که، خب، به جورایی، می‌دونید، اون نگفت، و سبت رو نگه داریم.

خب، با این موضوع باید چه کار کنیم؟ و ضمناً، می‌دانم که اینجا اختلاف نظر وجود دارد و اختلاف نظرهای مشروعی هم وجود دارد. بنابراین من فقط ایده‌هایم را به شما می‌گویم و شما می‌توانید با من بحث کنید یا اگر مایلید طور دیگری فکر کنید. اما فقط یک یادآوری است، این موضوع تا حدودی مهم است.

اگر این یکی از ده فرمان باشد، به نظر من تا حدودی مهم است. و البته، بر اساس کل ایده خلقت-رستگاری است که مسائل الهیاتی نسبتاً مهمی هستند که به نظر من فراتر از عهد سینا هستند، حتی اگر نشانه‌ای از عهد سینا باشد. خلقت، رستگاری، و جالب اینجاست که در فصل چهارم عبرانیان، نویسنده عبرانیان ما را به ورود به استراحت سبت امر می‌کند.

او از کل ایده سبت به عنوان چیزی بسیار عمیقاً مهم استفاده می‌کند. و بنابراین ممکن است این چیزی باشد که ما هم بخواهیم در مورد کنار هم قرار دادن این تصویر کلی به آن فکر کنیم. بنابراین، می‌توانید هر برداشتی که می‌خواهید از این داشته باشید، اما من صرفاً پیشنهاد زیر را که دارم ارائه می‌دهم.

با این حال، اگر می‌خواهی این کار را انجام دهی، بگذار تشویقت کنم که به این فکر کنی که یک روز از هفت روز را به خودت اختصاص بدهی. این هدیه خداست به تو. این هدیه خداست به تو.

و سپس شما با قرار دادن پسر انسان به عنوان خداوندگار سبت، به او خدمت می‌کنید. با این اوصاف، کولسیان ۲:۱۶ بسیار مهم است. آیا کسی می‌داند این چه می‌گوید؟ پولس می‌گوید.

نگذارید کسی در مورد سبت‌ها، ماه‌های نو یا اعیاد شما را قضاوت کند. و او سعی می‌کند از آن وحشت شریعت‌گرایی دوری کند، زیرا شریعت‌گرایی معمولاً به این صورت است که من به چیزی نگاه می‌کنم و به کسی نگاه می‌کنم و می‌گویم، خب، آنها اشتباه می‌کنند چون این فهرست کارها را انجام نمی‌دهند یا این فهرست کارها را انجام می‌دهند و نباید انجام دهند. خب، اینجا یک تعادل بسیار ظریف وجود دارد.

و من دوست دارم به سبت به عنوان یک چیز مثبت نگاه کنم. آن دسته از شما که دوستان یهودی دارید که از یهودیان ارتدکس هستند، حتماً کتاب «برگزیدگان» را خوانده‌اید. در کتاب «برگزیدگان»، تصویری از شادی سبت را می‌بینیم.

وقتی تمام آن روز را شروع می‌کنید، با چراغانی است. و وقتی به پایان سبت می‌رسید، زمان عزاداری است زیرا روزی را که تازه روز حضور با خدا بوده است، به پایان رسانده‌اید. و وارد هفته جدیدی می‌شوید و تا آن روز تجدید قوا می‌کنید، اما آنها در واقع زمان بسیار کمی در پایان سبت دارند که کمی زمان عزاداری است.

پس، این را در نظر داشته باشید. بگذارید شما را تشویق کنم که به هر نحوی روز سبت را نگه دارید. باز هم، در این مورد اصلاً قانون‌گرا نیستم.

باید یک داستان کوتاه برایتان تعریف کنم. وقتی شوهرم به دانشگاه رفت، مسیحی شد، نه قبل از آن و در دانشگاه با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کرد.

او اولین کسی بود که این را به شما می‌گفت. سال اولش افتضاح بود و نزدیک بود او را بیرون بیندازند. اما در همان سال، او به این موضوع ایمان آورد.

و کشیشش گفت، می‌خواهم امتحان کنی و تجربه کسب کنی، چون او واقعاً هفت روز هفته، ۱۸ ساعت در روز کار می‌کرد و زندگی سختی داشت. و کشیش گفت می‌خواهم امتحان کنی و تجربه کسب کنی. می‌خواهم یکشنبه‌ها مرخصی بگیری، که با بیرون رفتن همه ما، کمی دور از انتظار به نظر می‌رسید.

اما پری حرف او را پذیرفت. خوب، شش روز اول هفته، کار سخت بود، کار سخت‌تر و سخت‌تر. اما روز هفتم واقعاً لذت‌بخش بود.

و بنابراین، او به انجام این کار ادامه داده است. و خدا را شکر، او مرا هم به این کار تشویق کرده است. من در همان شرایط کلیسا به مسیح ایمان آوردم.

بنابراین، من از این بابت بسیار سپاسگزارم. هر طور که می‌خواهید این کار را انجام دهید، آن را به خودتان واگذار می‌کنم. ما باید در مورد جشنواره‌ها صحبت کنیم زیرا فقط حدود ۲۰ دقیقه فرصت داریم تا در مورد جشنواره‌ها و سایر مناسبت‌های مذهبی صحبت کنیم.

همانطور که در مورد اعیاد فکر می‌کنیم، یکی از چیزهایی که می‌خواهم سعی کنید و به نوعی آن را اینجا جمع‌بندی کنید این است که چگونه این اعیاد، معادل عهد عتیق برای انواع جشن‌هایی هستند که در حوزه‌های مسیحی خود داریم، باشه؟ پس، ببینید آیا می‌توانید معادل‌هایی برای آنها پیدا کنید. اول از همه، چند هدف. این اعیاد طوری طراحی شده‌اند که زمانی برای عبادت باشند.

درست است که زمان‌های عبادت دیگری هم وجود داشت، اما اینها زمان‌های عبادت ویژه‌ای بودند. ما در مورد هر یک از آنها در فرصتی دیگر صحبت خواهیم کرد و سعی خواهیم کرد آنها را کمی ترسیم کنیم. به همین دلیل است که داشتن حس فداکاری در ذهن بسیار مهم است.

در خروج ۲۳، که احتمالاً مختصرترین فهرست اعیاد را داریم و به زودی به آنها نگاهی خواهیم انداخت مختصرترین فهرست همچنان می‌گوید، آیا هیچ‌کس دست خالی نمی‌آید، باشه؟ شما دست خالی به حضور خدا نیامدید. شما برای پرستش به اعیاد آمدید، و این به معنای آوردن چیزی بود، و به همین دلیل بود که ما در مورد کل هزینه قربانی صحبت کردیم. دوم و سوم، از آنجایی که آنها را اینجا آوردم، من به خصوص این دومی را دوست دارم.

اینها قرار بود به عنوان ابزارهای آموزشی عمل کنند، باشه؟ یادآوری. هر یک از سه عید بزرگ زیارتی، که قرار است در یک لحظه آنها را فهرست کنیم، هر یک از سه عید بزرگ زیارتی به نوعی یادآوری رستگاری قدرتمند خدا برای قومش از مصر بود. حالا، روش‌های مختلفی برای گفتنش وجود دارد، و شما باید به نوعی تثنیه و لایوان و خروج را مرور کنید تا آن را پیدا کنید، اما هر یک از آنها به نوعی یادآوری کاری است که خدا برای آنها در زمینه بیرون آوردن آنها از مصر انجام داده بود.

پس، این را در نظر داشته باشید. در بعضی موارد، آنها در حال ساختن غرفه بودند. در موارد دیگر، آنها از شر خمیرمایه خلاص می‌شدند و یک بره عید فصیح را می‌کشند، درست است؟ اما همه اینها برای یادآوری بود.

آن دسته از شما که در کلیساهای بزرگ شده‌اید که واقعاً جشن‌ها را جشن می‌گیرند، تا حدودی این را درک خواهید کرد. امروز روز داستان من است، باشه؟ خب، می‌خواهم یک داستان دیگر برایتان تعریف کنم. پدر و مادرم از طریق حداقل سه کلیسا مهاجرت کردند، که من از دوران کودکی‌ام به یاد دارم.

شاید تعدادشان بیشتر بوده باشد، اما من سه تا از آنها را به خاطر دارم: اول متدیست، بعد لوتری، و در نهایت پرسبیتی. روزهای ما در کلیسای لوتری، خب، سال‌های ما در کلیسای لوتری احتمالاً حدود شش یا هفت سال بود، و من در آن زمان بچه کوچکی بودم.

اما این خاطره‌ای است که من دارم. بیش از هر چیز دیگری در مورد آن کلیسای لوتری، و آن یک کلیسای نسبتاً مرتفع بود، بنابراین مجسمه‌ای از عیسی در جلو و کل ماجرا. کاملاً مذهبی.

اما هر پنجشنبه مقدس، با آن مجسمه عیسی چه می‌کردند؟ آن دسته از شما که از خانواده لوتری یا کاتولیک رومی هستید، با مجسمه عیسی چه می‌کردند؟ کسی می‌داند؟ زک؟ آنها آن را می‌پوشاند. بله، یک پرده بنفش روی آن کشیده شده بود. و بعد بدهی است که جمعه خوب، و تراژدی، و وحشت، و غم مرگ عیسی.

اما صبح یکشنبه چه اتفاقی می‌افتد؟ و خودتان را در این لحظه جای یک کودک پنج ساله بگذارید. صبح یکشنبه برای مراسم صبح یکشنبه، شیپور به صدا در می‌آید و کسی نقاب از چهره عیسی برمی‌دارد. من هنوز، آن را به یاد دارم، و هنوز هم، به شما می‌گویم، حتی امروز، همین الان، وقتی به پیامدهای آن فکر می‌کنم، مورمور می‌شوم و ستون فقراتم بالا و پایین می‌رود.

رستاخیز پس از آن وحشت مرگ، چه به وقوع بپیوندد و چه نپیوندد، با آن آیین عبادی که بخشی از کلیسای لوتری است، به نمایش گذاشته می‌شود. و بنابراین، زیبایی و آموزش بسیار زیادی در آنچه بچه‌ها یاد می‌گیرند، گنجانده شده است.

این یک تراژدی است که بسیاری از کلیساهای ما در مراسم عبادی که به خوبی آموزش می‌دهند، شرکت نمی‌کنند. حالا، شاید کلیساهایی باشند که مراسم‌های زیبایی برگزار می‌کنند و چه کسی می‌داند چه چیزهایی، اما چیزهای آموزشی خوبی هم وجود دارد. در هر صورت، نکته سوم از نظر اهداف، این بود که آنها در مقابل خداوند حاضر شوند، همین، باشه؟ و وقتی خدا گفت این کار را بکنید، و آنها این کار را کردند، آنها مطیع خداوند بودند.

به همین دلیل است که این سه عید بزرگ زیارتی را داریم. بیایید به خروج ۲۳ نگاه کنیم. باز هم، این کوتاه‌ترین بیانیه ما از اعیاد بر اساس ماهیت آنها است.

وقتی به تثنیه ۱۶ می‌رسیم، موارد بسیار طولانی‌تری وجود دارد. سه بار در سال باید برای من عیدی برگزار کنید، و سپس آنها را توصیف می‌کند، باشه؟ این کار را همانطور که به شما دستور داده‌ام انجام دهید. آیه سه بار در سال، همه انسان‌ها باید در مقابل خداوند متعال حاضر شوند، ۱۷.

شکی در آن نیست. آنها باید این کار را انجام دهند. بسیار خب، بیایید ببینیم کدام‌ها را اینجا داریم.

اینها باید خیلی مهم باشند. به تعداد دفعاتی که در مورد آنها صحبت شده نگاه کنید. باز هم، خروج ۲۳. کوتاه‌ترین نسخه ما از آنهاست.

تثنیه ۱۶ به طور قابل توجهی به آنها می‌پردازد. همچنین، لاویان ۲۳ و اعداد ۲۸-۲۹ که شامل چندین عید علاوه بر این سه عید اول هستند. اینها اعیاد زیارتی هستند زیرا اعیاد زیارتی بودند که قرار بود در آنها خود را به اورشلیم برسانند.

در تثنیه ۱۶، خداوند می‌گوید، به جایی که من انتخاب می‌کنم بروید، که اورشلیم خواهد بود، و در آنجا مرا پرستش خواهید کرد. بنابراین اورشلیم هدف، مقصد این زائران هنگام رفتن به اعیاد است. بنابراین، آنها را به عنوان اعیاد زیارتی در نظر بگیرید.

اول از همه، ما را به عید فصیح دعوت کن. و یادت هست وقتی در مورد خروج، فصل ۱۲ صحبت کردیم، در مورد جشن عید فصیح در مصر در آن شب صحبت کردیم، و سپس این واقعیت که در مورد چگونگی انجام آن برای نسل‌های آینده صحبت می‌کند. بنابراین اکنون ما در مورد نسل‌های آینده صحبت می‌کنیم، و عید فصیح با نان فطیر مرتبط است.

و البته، نکته کلیدی اینجا فقط خون بره عید فصیح نیست؛ این خون در جایگاه دوم قرار می‌گیرد، نه دوم، اما اکنون به اندازه کل هفت روز تطهیر اهمیت ندارد. زیرا خلاص شدن از شر خمیرمایه، همانطور که قبلاً در مورد این موضوع صحبت کردیم، به معنای خلاص شدن از گناه است. خمیرمایه نماد گناه است.

اول قرن‌تین ۵، دوباره، می‌دانم که قبلاً به آن اشاره کرده‌ام، اما وقتی پولس می‌گوید، ای مسیح، بره عید فصیح تو ذبح شده است، پس از شر خمیرمایه‌ای که در درونت است خلاص شو، و او به گناهی اشاره می‌کند که در آن زمان در کلیسای قرن‌تین وجود دارد. بنابراین نان فطیر عید فصیح، یک جشن فوق‌العاده مهم، در بهار برگزار می‌شود. معادل آن برای ما چیست؟ بله، البته عید پاک است.

گاهی اوقات این عید تقریباً همزمان با عید فصیح است، اما نه همیشه. اکنون، به لطف خداوند، او فرصتی را برای افرادی که نتوانسته‌اند عید فصیح را در ماه اول جشن بگیرند، فراهم می‌کند، در ماه آویو یا نیسان، او این فرصت را برای آنها فراهم می‌کند تا این کار را انجام دهند. فصل نهم کتاب اعداد می‌گوید اگر کسی از نظر آیینی نجس باشد، با جسد مرده‌ای تماس داشته باشد یا اگر در سفر بوده باشد، در واقع این فرصت برای اوست که عید فصیح را جشن بگیرد.

این به ما نشان می‌دهد که عید فصیح چقدر مهم بوده است. و باز هم، این جشن رستگاری آنهاست. می‌توانید ببینید که چرا آنها می‌خواستند آن را جشن بگیرند.

این جشنی خواهد بود که پادشاه حزقیا و پادشاه یوشیا وقتی اصلاحاتی را در پادشاهی‌های سقوط کرده خود، اعمال کردند، می‌دانید وقتی اصلاحات انجام شود، آنها عید فصیح را جشن می‌گیرند زیرا اکنون یک رستگاری یک احیا، یک تجدید حیات یا هر چیزی که می‌خواهید آن را بنامید، رخ داده است. بسیار خوب، پس عید فصیح بدون خمیرمایه. ضمناً، هر دوی این نام‌ها را داشته باشید، زیرا خروج آن را یک نام و تثنیه آن را نام دیگری خواهد نامید.

عید هفته‌ها. من به آن عید هفته‌ها گفته‌ام چون این عیدی است که در طول تاریخ یهود به نوعی ادامه داشته است. آن دسته از شما که در ماه ژوئن یا پایان ماه مه به اسرائیل می‌روید، همه چیز را در مورد شاورووت خواهید شنید.

شاووعوت کلمه عبری به معنای هفته است و آنها این عید هفته‌ها را جشن می‌گیرند. البته، به آن پنطیکاست نیز می‌گویند زیرا ۵۰ روز پس از عید فصح است. و پنطیکاست تصاویر قابل توجهی از وقایع مربوط به ما دارد. زیرا در فصل ۲ اعمال رسولان آمده است. و حالا، دوباره، شما عهد جدید را مطالعه کرده‌اید، این را می‌دانید.

همه آن مردم در اورشلیم جمع شده‌اند. چرا آنجا هستند؟ آنها برای پنطیکاست آنجا هستند. آنها آنجا هستند زیرا از سراسر دنیای روم، زائران وفاداری دارید.

شما زائرانی دارید که مطیع فرمان خداوند هستند و به عنوان بخشی از آن عید زائران به اورشلیم می‌آیند. به همین دلیل است که لوقا، به عنوان نویسنده اعمال رسولان، همه این افراد را فهرست می‌کند. فکر می‌کنم ۱۵ یا ۱۶ مکان مختلف از آنچه آنها آمده‌اند، وجود دارد.

همه آنها به زبان آرامی صحبت نمی‌کنند، با این حال به رسولان این موهبت داده شده است که به زبان‌های متناسب با فرهنگ خود صحبت کنند تا بتوانند مزده را بشنوند. بنابراین پنطیکاست نیز بسیار مهم است.

به طور سنتی، در یهودیت، تورات در این جشن اهدا می‌شود. و این وقتی مکث می‌کنید و به آن فکر می‌کنید، جالب است. و منطقی هم هست زیرا تورات سه ماه پس از ترک مصر اهدا می‌شود.

آنها در ماه آوریل در نیشان مصر را ترک می‌کنند. سه ماه بعد، درست به عید شاووعوت می‌رسیم. و شما تورات را دریافت کرده‌اید.

و آیا این شگفت‌انگیز نیست که تورات در کوه سینا با آتش داده می‌شود؟ و روح‌القدس با زبان‌های آتش در اورشلیم نازل می‌شود. و کلام خداوند صادر می‌گردد.

منظورم این است که شباهت‌های جذابی بین آنها وجود دارد. خوب، و در نهایت به «تابناکلز» می‌رسیم. این نامی است که همچنان باقی مانده است.

همچنین به آن جمع آوری گفته می‌شود. اگر سفر خروج را بخوانید، در آیه ۱۶ از فصل ۲۳ به آن جمع آوری گفته شده است. اما اکنون در یهودیت، سوکوت نام دارد.

سوکوت. سوکا به معنای خیمه، چادر است، ببخشید. و به همین دلیل، به آن عید خیمه‌ها، عید سوکوت می‌گویند.

این موضوع معانی ضمنی جالبی هم در عهد جدید دارد. آیا می‌دانید از نظر مسائل عهد جدید، این دو به کجا مربوط می‌شوند؟ اگر به تبدیل هیئت اشاره کنم، چه اتفاقی می‌افتد؟ پطرس بالای این کوه است، پطرس بالای کوه است، عیسی بالای کوه است، خوب، پطرس هم آنجاست، درست است؟ عیسی بالای کوه است. پطرس، یعقوب و یوحنا با او هستند.

حجاب جسم به نوعی دیگر وجود ندارد. و پطرس، یعقوب و یوحنا جلال عیسی را در حال تجلی می‌بینند. و پطرس چه می‌گوید؟ بیایید برای خودمان غرفه‌هایی بسازیم.

این احتمالاً نزدیک به زمان خیمه‌ها اتفاق افتاده است. و اتفاقاً، خیمه‌ها با مفاهیم مسیحایی مرتبط شدند. و بنابراین، پطرس همه این چیزها را در ذهن خود دارد که دوست دارد در آینده چه اتفاقی بیفتد.

مخصوصاً از آنجایی که در فصل ۱۶ متی، که درست قبل از فصل ۱۷ است، جایی که تبدیل هیئت اتفاق می‌افتد. در فصل ۱۶، پطرس به تازگی اعتراف کرده است که تو مسیح، پسر خدای زنده هستی. و اگرچه او مجبور شده است کمی سرزنش را تحمل کند، در واقع، این یک سرزنش بزرگ است. شیطان، وقتی سعی می‌کند بگوید، تو نخواهی مرد و غیره، از من دور شو.

با این وجود، عیسی به او گفته است، تو این را گفتی چون خدا آن را به تو شناسانده است. و بنابراین می‌توانید تصور کنید که حادثه بعدی در آن کوه که تغییر شکل داده بود، چرا همه آن چیزها هنوز به سطح زمین می‌آمدند و او می‌گفت، وای، بیاید چند غرفه بسازیم. این یک حادثه قابل توجه است.

بیاید آن را حفظ کنیم. بسیار خوب، من در این مورد خیلی گمراه شدم. اینها سه جشنواره اصلی هستند.

جشنواره‌های زائران، آنها را در صف نگه دارید. دو جشنواره بزرگ دیگر. ما چیز زیادی در مورد شیپورها نمی‌دانیم.

ما واقعاً اینطور فکر نمی‌کنیم. متن چیز زیادی در مورد آن نمی‌گوید. داستان عموماً در جایی اتفاق می‌افتد که ما الان آن را سپتامبر یا اکتبر می‌دانیم.

و این چیزی است که ما روش هشانا می‌نامیم، یا برای شما که اهل نیویورک هستید، روش هشانا، درست است؟ اینجا تفاوت لهجه وجود دارد. اما روش هشانا، سر سال. اما باز هم، چیز زیادی در مورد آن گفته نمی‌شود.

به طور سنتی در یهودیت، این روز، یادبود خلقت جهان است، اما این رسم همیشگی است. در مقابل، دومین روز، دومین عید از اعیاد بزرگ است، و نه، پنجمین عید از اعیاد بزرگ. به هر حال، این روز، روز کفاره است.

و اینجا می‌خواهیم کمی بیشتر وقت بگذاریم. دفعه قبل در مورد حادثه وحشتناک در لاویان ۱۰ صحبت کردیم، جایی که ناداب و ابیهو با آتش غیرمجاز به قدس الاقداس حمله کردند. و البته، آنها به دلیل تجاوز از آن مکان بسیار مقدس، نابود شدند.

لاویان ۱۶ با اشاره به این موضوع شروع می‌شود و می‌گوید که هیچ‌کس جز سالی یک بار وارد آن مکان مقدس نمی‌شود و فقط کاهن اعظم این کار را انجام می‌دهد. و سپس، ادامه می‌دهد و درباره آنچه در آن روز، روز کفاره، اتفاق می‌افتد صحبت می‌کند، روزی که کاهن اعظم تنها روزی است که کاهن اعظم باید وارد مقدس‌ترین و مقدس‌ترین مکان شود. و در اینجا برخی از چیزهایی که در واقع در مورد روز کفاره می‌گوید، آمده است.

و دوباره، ما این موضوع را کمی با جزئیات بیشتر بررسی می‌کنیم، زیرا ممکن است نوعی توهم در مورد آیه ۲۹ یوحنا ۱ وجود داشته باشد که می‌گوید: «این است بره خدا که گناه جهان را برمی‌دارد.» می‌دانید، یکی از این بزها گناه جهان را برمی‌دارد. ممکن است در اینجا یک توهم وجود داشته باشد، نه یک توهم کامل، اما ممکن است وجود داشته باشد.

به هر حال، جالب اینجاست که اگر متن عبری را بخوانید، این روز کفاره نیست. بلکه روز کفاره‌ها است. و جمع است. متن به روشنی می‌گوید که این کفاره‌ها برای هر چیزی که بخشی از این مکان مقدس است لازم است. زیرا آنها آلوده شده‌اند.

شما روزهای متمادی، خون ریخته شده بر آنها و تمام آن اضافه‌های مجازی و بار گناه را داشته‌اید. اکنون آنها کفارهایی برای کاهن اعظم، محراب و مردم خواهند بود. اصطلاح «گناهان» در آنجا استفاده شده است.

این یک کلمه عبری است که خیلی جالب است. من همین الان برای شما اشاره کردم که به چه معناست. به شورش عمدی اشاره دارد.

الان وقتشه که با این موضوع هم کنار بیایم. بعضی از شما می‌دونید که اگه قبلاً با دکتر ویلسون آشنا شده باشید، یا کتابش رو خونده باشید، یا فقط به حرف‌هاش گوش داده باشید، چاره‌ای نیست جز اینکه به حرف‌هاش گوش بدید و کلی چیز یاد بگیرید. اساساً شما دکتر ویلسون رو جذب می‌کنید.

اما نکته این است که بین روش هشانا، آغاز سال نو، و روز کفاره، ده روز وحشت وجود دارد. و در طول این مدت، همه یهودیان با دقت گناهان خود را بررسی می‌کنند و به آنها اعتراف کرده و کفاره می‌دهند، زیرا این دوره، دوره داوری است.

در یهودیت سنتی، این یک دوره داوری است. و بنابراین، روز کفاره هنوز هم پیامدهای بسیار عمیقی برای یهودیت و یهودیان معتقد امروزی دارد. خوب، در گذشته، تحت اقتصاد معبد خیمه، آن دو بز نیز آنجا بودند.

و اینها جنبه‌های جالب یوم کیپور هستند. به هر حال، آن دو بز آورده شدند.

از یک طرف، بز برای خداوند است. آن بز ذبح می‌شود. خورش در مقدس‌ترین مکان پاشیده می‌شود. بز دیگر، بز عزازیل نامیده می‌شود.

حالا، عزازیل کیست یا چیست؟ ضمناً، این همان بزی است که به اشتباه «بز قربانی» نامیده شده است. آیا اصطلاح انگلیسی «بز قربانی» را می‌شناسید؟ همه ما آن را می‌شناسیم. ما داریم این شخص را قربانی می‌کنیم یا آن شخص را.

را گرفته است. عبری آن Azazel در واقع، این یک اشتقاق نامناسب در انگلیسی از یک کلمه عبری است که به معنی رفتن است Azal به معنی بز است و AZ، است. و برخی گفته‌اند Azazel

scapegoat این باید به معنی بزی باشد که می‌رود یا بزی که فرار می‌کند. بزی که فرار می‌کند. آیا شما عبارت (بز قربانی) را می‌شنوید که از بز فراری بیرون می‌آید؟ مشتق جالبی از کلمه انگلیسی است.

احتمالاً تفسیر بهتر، اگرچه بسیاری از مردم در مورد این موضوع بحث می‌کنند، این است که از نظر دستوری یک بز برای خداوند و بز دیگر برای عزازیل است. قرن‌ها، مفسران اولیه مسیحی و مفسران یهودی، حتی قبل از عیسی، می‌گفتند که عزازیل نوعی شیطان بزرگ بوده است. بنابراین، با فرستادن آن بز که مملو از گناهان مردم بود، به یاد داشته باشید که کاهن گناهان مردم را به بز اعتراف کرد و سپس آن را به بیابان فرستاد.

با انجام این کار، بز به طور نمادین با بار تمام گناهان مردم، به منبع گناه بازگردانده می‌شد. حالا، می‌توانیم خیلی بیشتر در مورد آن بگوییم، اما حدس بزنید چه؟ وقت نداریم. فقط باید چند کار دیگر انجام دهیم و سپس برای این هفته متوقف می‌شویم.

نذر. دو نکته در مورد نذر دارم که بگویم. اول از همه، از نذر نذری آگاه باشید که فوق‌العاده مهم است.

ما نذیره‌ها را در سراسر تاریخ عهد عتیق خواهیم داشت، نه تنها تاریخ عهد عتیق، بلکه یحیی تعمید دهندۀ نیز در این دسته قرار خواهد گرفت. بنابراین، به فصل ششم کتاب اعداد نگاه کنید. هدف این بود که برای خداوند جدا شوید، برای کاری که خداوند از شما می‌خواست انجام دهید.

این می‌توانست یک نذر نذیره باشد که تمام عمر را شامل می‌شد. همچنین می‌توانست یک نذر کوتاه‌مدت باشد. و مو، موی بلند، در اینجا یک تمایز بود.

سامسون به ذهنت میاد. باید هم بیاد، باشه؟ اونا همچنین نباید به چیزهای مرده دست می‌زدن. نباید از میوه تاک استفاده می‌کردن و نباید موهاشون رو کوتاه می‌کردن.

بنابراین، نذر نذیره را در نظر داشته باشید. نکته دیگری که می‌خواهم در مورد نذرهای بگویم این است که وقتی فصل ۳۰ از کتاب اعداد را می‌خوانید، عمیقاً احساس می‌کنیم که واقعاً، واقعاً در مورد نذرهای ساده‌تر عمل کرده‌ایم.

ما عهد و پیمان‌های ازدواجی داریم که فکر می‌کنم دیگر از آن شخص خوشم نمی‌آید. فکر می‌کنم آن عهد را بشکنم. عهد و پیمان‌هایی تحت این پیمان سینا.

ما خیلی خیلی هوشیار و خیلی محکم هستیم. اگر عهدی بستیم، بهش عمل کردی. بهش عمل کردی.

فصل ۳۰ کتاب اعداد را بخوانید. تنها تفاوت این بود که اگر زنی نذری می‌کرد که شوهر یا پدرش آن را احماقانه می‌دانست، شوهر می‌توانست آن را برای او فسخ کند، اما خود زن نمی‌توانست.

ما قبلاً در مورد ده یک صحبت کرده‌ایم. و می‌توانید نگاهی سریع به اعداد، بخشید، اعداد، تثنیه ۱۴ در مورد ده یک بیندازید. اما اجازه دهید چیزی را که چند روز پیش گفتم تکرار کنم.

و این همان عشر متمایز در سال سوم است. عشر باید در حضور خداوند جشن گرفته می‌شد. می‌دانید که در آن چه نوشته شده است.

اگر از راه دور می‌آیید، دارایی‌هایتان را آنجا بگذارید، پول بیاورید، آن را به حضور خداوند ببرید، چیزهایی برای جشن گرفتن بخرید، شراب، نوشیدنی‌های قوی، و بیایید و در حضور خداوند جشن بگیرید. جمله‌ی جذابی بود. (قرار بود عشر ده یک (را جشن بگیرند).

اما در سال سوم، عشریه‌ها همچنین برای کمک به یک بچه گربه طراحی شدند تا کسانی که پول نداشتند بیوه‌ها، بیگانگان و یتیمان بتوانند تأمین شوند و همچنین کشیش‌ها. خب، و بعد یک، دو نکته آخر. من فقط نگاهی به اینها می‌اندازم چون می‌دانم که در این مرحله وقت آن رسیده که دست از این کار بکشم.

لاویان ۲۷ در مورد این فرآیند بخشیدن چیزی به خداوند، وقف کردن به خداوند، حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. و حالا که به یاد می‌آورید، می‌دانید که بازخرید به معنای بازخرید کردن است. خوب به آن نگاه کنید.

نگاهی دقیق به فصل ۱۹ سفر اعداد بیندازید، که یک آیین جذاب است. در آن درباره یک گوساله قرمز صحبت شده است. اما الان چیز بیشتری در مورد آن نمی‌گویم چون وقت آن است که به جلسه برویم.

اینو به دقیقه اینجا می‌ذارم. شب‌ات شالوم بر شما. آگه خدا بخواد دوشنبه به جلسه دیگه داریم و بعدش چهارشنبه امتحان. عالیه.